

**[اربعين، امتداد عاشورا/بازخواني بيانات رهبر معظم انقلاب](https://www.balagh.ir/content/862)**

رهبر انقلاب اسلامي، «احياي ياد كربلا و شهادت»، «گسترش فرهنگ عاشورايي» و «آغاز جاذبة زيارت حسيني» را آموزه هاي ارزشمند اربعين حسيني مي دانند كه تجلي عشق به تربت و مرقد سيدالشهدا در آن جلوه گر است و پس از قرنها، دوستداران اهلبيت را با پاي پياده رهسپار ...

به گزارش بلاغ به نقل از [شبستان](http://www.shabestan.ir/detail/News/422693) به نقل از پايگاه اطلاع رساني حج، اولين شكوفه هاي عاشورايي در اربعين شكفته شد۱ و آمدن اهلبيت حسين بن علي(ع) بر سر مزار سيدالشّهدا، در حقيقت امتداد حركت عاشورا بود و با اين كار، به پيروان امام و دوستان خاندان پيغمبر و مسلماناني كه تحت تأثير اين حادثه قرار گرفته بودند فهماندند كه اين واقعه تمام نشد و چنين فاجعه اي، با دفن كردن و به اسارت گرفتن و‌‌ رها كردن اسيران پايان نخواهد يافت و فراموش نخواهد شد.

رهبر معظم انقلاب از اين ديدگاه معتقد است كه آمدن اهلبيت(ع) به كربلا در اربعين، با اين هدف بود كه اعلام كنند: اينجا ميعادگاه بزرگي است كه با جمع شدن در آن، بايد همواره هدف بزرگ اسلام را نيز به ياد بياوريد كه همانا «تشكيل نظام اسلامي» و تلاش در راه آن حتي در حد شهادت است۲

«آموزه هاي اربعين» و «درنگ در فرازي از زيارت اربعين» در نگاه رهبر معظم انقلاب، محور اين نوشتار است كه در ويژه نامه اربعين فصلنامه فرهنگ زيارت از منشورات حوزه نمايندگي ولي فقيه در امور حج و زيارت به تازگي به چاپ رسيده است.

آموزه هاي اربعين

۱. احياي ياد كربلا و شهادت

«شهادت بدون خاطره، بدون ياد، بدون جوشش خون شهيد، اثر خودش را نمي‌بخشد و اربعين، آن روزي است كه برافراشته شدن پرچم پيام شهادت كربلا در آن آغاز شد». ۳  
رهبر انقلاب، اربعين را احياي ياد حماسه حسين بن علي(ع) در كربلا دانسته، مي‌فرمايد:  
«شما فرض كنيد اگر اين شهادت عظيم در تاريخ اتفاق مي‌افتاد، يعني حسين بن علي(ع) و بقيه شهيدان در كربلا شهيد مي‌شدند، اما بني اميه موفق مي‌شدند همانطور كه خود حسين(ع) و ياران عزيزش را از صفحه روزگار برافكندند و جسم پاكشان را در زير خاك پنهان كردند، ياد آن‌ها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهاي بعد محو كنند، آيا اين شهادت فايده اي براي عالم اسلام داشت؟ يا اگر هم براي آن روز اثري مي‌گذاشت، آيا اين خاطره در تاريخ براي نسل هاي بعد هم براي گرفتاري‌ها و سياهي‌ها و تاريكي‌ها و يزيدهاي دوران آينده تاريخ هم اثري روشنگر و افشا كننده داشت؟ اگر حسين شهيد مي‌شد، اما مردم آن روز و مردم نسل هاي بعد نمي‌فهميدند شهيد شده، اين خاطره چه اثري و چه نقشي مي‌توانست در رشد و سازندگي و هدايت و برانگيختگي ملت‌ها و اجتماعات و تاريخ بگذارد؟ مي‌داند هيچ اثري نداشت. آري، حسين(ع) شهيد مي‌شد، خود او به اعلا علّيين رضوان خدا مي‌رسيد؛ شهيداني كه كسي نمي‌فهميد و در غربت، سكوت و خاموشي شهيد شدند، به اجر خودشان در آخرت رسيدند... امام چقدر درس و اسوه مي‌شدند؟»  
اربعين نشانگر تدبير خاندان پيامبر(ص) و احياگر حقيقت شهادت است و در اربعين حسيني ياد شهادت حسين(ع) زنده شد. ۴ آيت الله خامنه اي با اشاره به اين بُعد از پيام اربعين مي‌فرمايد:  
«اهميت اربعين در آن است كه در اين روز، با تدبير الهي خاندان پيامبر ياد نهضت حسيني براي هميشه جاودانه شد و اين كار پايه گذاري گرديد. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلي، در حوادث گوناگون ـ از قبيل شهادت حسين بن علي در عاشورا ـ به حفظ ياد و آثار شهادت كمر نبندند، نسل هاي بعد، از دستاورد شهادت استفاده زيادي نخواهند برد. درست است كه خداي متعال، شهدا را در همين دنيا هم زنده نگه مي‌دارد و شهيد به طور قهري در تاريخ و ياد مردم ماندگار است، اما ابزار طبيعي اي كه خداي متعال براي اين كار ـ مثل همه كار‌ها ـ قرار داده است، همين چيزي است كه در اختيار و اراده ماست. ما هستيم كه با تصميم درست و به جا، مي‌توانيم ياد شهدا و خاطره و فلسفه شهادت را احيا كنيم و زنده نگه داريم. اگر زينب كبري و امام سجاد(ع) در طول آن روزهاي اسارت ـ چه در‌‌ همان عصر عاشورا در كربلا و چه در روزهاي بعد در راه شام و كوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زيارت كربلا و بعد عزيمت به مدينه و سپس در طول سالهاي متمادي كه اين بزرگواران زنده ماندند ـ مجاهدات و تبيين و افشاگري نكرده بودند و حقيقت فلسفه عاشورا و هدف حسين بن علي و ظلم دشمن را بيان نمي‌كردند، واقعه عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقي نمي‌ماند. چرا امام صادق(ع) ـ طبق روايت ـ فرمودند كه هر كس يك بيت شعر درباره حادثه عاشورا بگويد و كساني را با آن بيت شعر بگرياند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد كرد؟ چون تمام دستگاههاي تبليغاتي، براي منزوي كردن و در ظلمت نگه داشتن مسئله عاشورا و كلا مسئله اهلبيت، تجهيز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضيه چه بود. تبليغ، اينگونه است.  
آن روز‌ها هم مثل امروز، قدرت هاي ظالم و ستمگر، حداكثر استفاده را از تبليغات دروغ و مغرضانه و شيطنت آميز مي‌كردند. در چنين فضايي، مگر ممكن بود قضيه عاشورا ـ كه با اين عظمت در بياباني در گوشه اي از دنياي اسلام اتفاق افتاده ـ با اين تپش و نشاط باقي بماند؟ يقينا بدون آن تلاش‌ها، از بين مي‌رفت. درسي كه اربعين به ما مي‌دهد، اين است كه بايد ياد حقيقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبليغات دشمن زنده نگه داشت». ۵  
ايشان اربعين را روز بازماندگان شهدا دانسته، ۶ با اشاره به سختي مجاهدت امام سجاد و حضرت زينب در صحنه تبليغي و فرهنگي، اين نكته را يادآور مي‌شود:  
«درسي كه اربعين به ما مي‌دهد، اين است كه بايد ياد حقيقت و خاطره شهادت را در مقابل طوفان تبليغات دشمن زنده نگه داشت. شما ببينيد از اول انقلاب تا امروز، تبليغات عليه انقلاب و امام و اسلام و اين ملت، چهقدر پرحجم بوده است. چه تبليغات و طوفاني كه عليه جنگ به راه نيفتاد؛ جنگي كه دفاع و حراست از اسلام و ميهن و حيثيت و شرف مردم بود. ببينيد دشمنان عليه شهداي عزيزي كه جانشان ـ يعني بزرگ‌ترين سرمايه‌شان ـ را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه كردند و مستقيم و غيرمستقيم، با راديو‌ها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و كتابهايي كه منتشر مي‌كردند، در ذهن آدمهاي ساده لوح در همه جاي دنيا، چه تلقيني توانستند بكنند. اگر در مقابل اين تبليغات، تبليغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهي ملت ايران و گويندگان و نويسندگان و هنرمندان، در خدمت حقيقتي كه در اين كشور وجود دارد، قرار نگيرد، دشمن در ميدان تبليغات غالب خواهد شد. ميدان تبليغات، ميدان بسيار عظيم و خطرناكي است». ۷

۲. گسترش فرهنگ عاشورايي

اربعين در حادثه كربلا يك آغاز بود. بعد از آن فاجعه بزرگ در كربلا، بايد حادثه اسارت‌ها، پيام حماسه سيدالشهداء را منتشر مي‌كرد و خطبه‌ها و افشاگري‌ها و حقيقت گويي هاي حضرت زينب و امام سجاد(ع) مثل يك رسانه پرقدرت، بايد واقعه عاشورا و هدف و جهت گيري آن را در محدوده وسيعي منتشر مي‌نمود، و اين كار انجام شد. رهبر انقلاب در تبيين اين حركت مي‌فرمايد:

«خاصيت محيط اختناق اين است كه مردم فرصت و جرئتِ اين را پيدا نمي‌كنند كه حقايقي را كه فهميده اند، در عملِ خودشان نشان بدهند؛ چون اولاً دستگاه ظالم و مستبد نمي‌گذارد مردم بفهمند و اگر فهم مردم از دست او خارج شد و فهميدند، نمي‌گذارد به آنچه فهميده اند، عمل كنند. در كوفه، در شام، در بين راه، خيلي‌ها از زبان زينب كبري يا امام سجاد يا از ديدن وضع اسرا، خيلي چيز‌ها را فهميدند، ولي كي جرئت مي‌كرد، كي توانايي اين را داشت كه در مقابل آن دستگاه ظلم و استكبار و استبداد و اختناق، آنچه را كه فهميده است، بروز دهد؟ مثل يك عقده اي در گلوي مؤمنين باقي بود. اين عقده روز اربعين اولين نِش‌تر را خورد؛ اولين جوشش در روز اربعين در كربلا اتفاق افتاد. مرحوم سيد بن طاووس و بزرگان نوشته اند كه وقتي كاروان اسرا، يعني جناب زينب(س) و بقيه در اربعين وارد كربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاري و عطيه عوفي نبودند؛ «رجال مِن بني هاشم»؛ عده اي از بني هاشم، عده اي از ياران بر گرد تربت سيدالشهدا جمع شده بودند و به استقبال زينب كبري(س) آمدند. شايد اين سياستِ ولايي هم كه زينب كبري اصرار كرد كه برويم به كربلا ـ در مراجعت از شام ـ به خاطر همين بود كه اين اجتماع كوچك اما پرمعنا، در آنجا حاصل شود. حالا بعضي استبعاد كردند كه چطور ممكن است تا اربعين به كربلا رسيده باشند. مرحوم شهيد آيت الله قاضي يك نوشته مفصلي دارد؛ اثبات مي‌كنند كه نه، ممكن است كه اين اتفاق افتاده باشد. به هر حال آنچه در كلمات بزرگان و قدما هست، اين است كه وقتي زينب كبري و مجموعه اهلبيت وارد كربلا شدند، عطيه عوفي و جناب جابر بن عبدالله و رجالي از بني هاشم در آنجا حضور داشتند. اين نشانه و نمونه اي از تحقق آن هدفي است كه با شهادت‌ها بايد تحقق پيدا مي‌كرد؛ يعني گسترش اين فكر و جرئت دادن به مردم. از همين جا بود كه ماجراي توابين به وجود آمد. اگرچه ماجراي توابين سركوب شد، اما بعد با فاصله كوتاهي ماجراي قيام مختار و بقيه آن دلاوران كوفه اتفاق افتاد و نتيجه، در هم پيچيده شدن دودمان بني اميه ظالم و خبيث بر اثر همين برچيده شد. البته بعد از او سلسله مرواني‌ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پيدا كرد؛ راه باز شد. اين خصوصيت اربعين است.  
يعني در اربعين افشاگري هم هست؛ عمل هم هست؛ تحقق هدف هاي آن افشاگري هم در اربعين وجود دارد». ۸

۳. آغاز جاذبه زيارت حسيني

اربعين، تجلي عشق به تربت و مرقد سيّدالشّهدا(ع) و آغاز جاذبه حسيني است كه با وجود گذشت قرن هاي متمادي، همچنان دل همه دوستداران اهلبيت و همه آزادگان جهان را به سوي رستگاري و عزت و افتخار مي‌كشاند.  
در نگاه مقام معظم رهبري، اولين جوشش هاي چشمه جوشان محبت حسيني ـ كه رود هميشه جاري زيارت را در طول اين قرن‌ها جاري كرده ـ در اربعين پديد آمد. جاذبه قوي حسيني، اولين دل‌ها را در اربعين به سوي خود جلب كرد. رفتن جابربن عبدالله و عطيّه به زيارت امام حسين(ع) در روز اربعين، سرآغاز اين حركت پُربركت بود. در طول قرن‌ها تا امروز، پيوسته اين حركت پُرشكوه‌تر، پُرجاذبه تر و پُرشور‌تر شده است و نام و ياد عاشورا را روزبه روز در دنيا زنده‌تر كرده است. ۹  
رهبر معظم انقلاب مي‌فرمايند:  
«چه آمدن خاندان پيغمبر در روز اربعين به كربلا ـ كه بعضي روايت كرده اند ـ درست باشد يا درست نباشد، ظاهرا در اين ترديدي نيست كه جابربن عبدالله انصاري به همراه يكي از بزرگان تابعين ـ كه نام او را بعضي عطيه گفته اند، بعضي عطا گفته اند و احتمال دارد عطيه بن حارث كوفي حمداني باشد؛ به هرحال يكي از بزرگان تابعين است كه در كوفه ساكن بوده ـ اين راه را طي كردند و در اين روز بر سر مزار شهيد كربلا حاضر شدند. شروع جاذبه مغناطيس حسيني، در روز اربعين است. جابربن عبدالله را از مدينه بلند مي‌كند و به كربلا مي‌كشد. اين،‌‌ همان مغناطيسي است كه امروز هم با گذشت قرن هاي متمادي، در دل من و شماست. كساني كه معرفت به اهلبيت دارند، عشق و شور به كربلا هميشه در دلشان زنده است. اين از آن روز شروع شده است. عشق به تربت حسيني و به مرقد سرور شهيدان». ۱۰

درنگ در فرازي از زيارت اربعين

رهبر معظم انقلاب مضامين زيارت اربعين امام حسين(ع) را بسيار پرمغز و در خور تأمل و تدبر دانسته، با اشاره به اين فراز از زيارت اربعين «ليستنقذ عباده من الجهالة و حيرة الضلالة» هدف از قيام حسيني را برطرف كردن ابرهاي جهل و غفلت از افق زندگي انسان‌ها و هدايت حقيقي آنان مي‌داند. ۱۱ معظم له با اين ديدگاه، حقيقت نهضت امام را اينگونه تحليل مي‌كنند:

«فقره هاي اوّل (زيارت) آن، دعاست كه گوينده اين جملات را خطاب به خداوند متعال عرض مي‌كند: «و بذل مهجته فيك»؛ يعني حسين بن علي، جان و خون خود را در راه تو داد. «ليستنقذ عبادك من الجهالة» تا بندگان تو را از جهل نجات دهد. «و حيرة الضّلالة» و آن‌ها را از سرگردانىِ ناشي از ضلالت و گمراهي برهاند. اين يك طرف قضيه، يعني طرفِ قيام كننده حسين بن علي عليهالسّلام است. طرف ديگر قضيه، در فقره بعدي معرفي مي‌شود: «و قد توازر عليه من غرّته الدنيا و باع حظّه بالارذل الأدني». نقطه مقابل، كساني بودند كه فريب زندگي، آن‌ها را به خود مشغول و دنياي مادّي، زخارف دنيايي، شهوات و هواهاي نفس، از خود بيخودشان كرده بود. «و باع حظّه بالارذل الأدني»؛ سهمي را كه خداي متعال براي هر انساني در آفرينش عظيم خود قرار داده است ـ اين سهم عبارت است از سعادت و خوشبختي دنيا و آخرت ـ به بهاي پست و ناچيز و غير قابل اعتنايي فروخته بودند. اين، خلاصه نهضت حسيني است. با مداقّه در اين بيان، انسان احساس مي‌كند كه نهضت حسيني در واقع با دو نگاه قابل ملاحظه است، كه هر دو هم درست است؛ اما مجموع دو نگاه، نشان دهنده ابعاد عظيم اين نهضت است. يك نگاه، حركت ظاهري حسين بن علي است كه حركت عليه يك حكومت فاسد و منحرف و ظالم و سركوب گر ـ يعني حكومت يزيد ـ است؛ اما باطن اين قضيه، حركت بزرگتري است كه نگاه دوم، انسان را به آن مي‌رساند، و آن حركت عليه جهل و زبوني انسان است. در حقيقت، امام حسين(ع) اگرچه با يزيد مبارزه مي‌كند، اما مبارزه گسترده تاريخي وي با يزيدِ كوته عمرِ بي ارزش نيست؛ بلكه با جهل و پستي و گمراهي و زبوني و ذلّت انسان است. امام حسين با اين‌ها مبارزه مي‌كند». ۱۲  
در نگاه ايشان، ويژگي حكومت پيامبر اين بود كه به جاي ابتنا بر ظلم، بر عدل بنا شده بود. به جاي شرك و تفرقه فكري انسان، متّكي بر توحيد و تمركز بر عبوديت ذات مقدس پروردگار بود. به جاي جهل، متّكي بر علم و معرفت بود. به جاي كينه ورزي انسان‌ها با هم، متّكي بر محبّت و ارتباط و اتّصال و رفق و مدارا بود؛ يعني يك حكومتِ از ظاهر و باطن آراسته. انساني كه در چنين حكومتي پرورش مي‌يابد، انساني باتقوا، پاكدامن، عالم، بابصيرت، فعّال، پُرنشاط، متحرّك و رو به كمال است. اما با گذشت فقط پنجاه سال، وضعيت عوض شد. اسم، اسم اسلام ماند؛ نام، نام اسلامي بود، اما باطن ديگر اسلامي نبود. به جاي حكومت عدل، باز حكومت ظلم بر سر كار آمد. به جاي برابري و برادري، تبعيض و دودستگي و شكاف طبقاتي به وجود آمد. به جاي معرفت، جهل حاكم شد. در اين دوره پنجاه ساله، هرچه به جلو‌تر مي‌آييم، اگر انسان بخواهد از اين سرفصل‌ها بيشتر پيدا كند، صد‌ها شاهد و نمونه وجود دارد كه اهل تحقيق بايد اين‌ها را براي ذهنهاي جوان و جوينده روشن كنند. ۱۳  
رهبر انقلاب در تحليلي ديگر، معتقدند:  
«بشريت هميشه دستخوش شيطنت شيطان هاست. هميشه شيطان هاي بزرگ و كوچك، براي تأمين هدف‌هاي خود، انسان‌ها و توده هاي مردم و ملت‌ها را قرباني مي‌كنند... بايد به بشر كمك كرد؛ بايد به بندگان خدا مدد رساند، تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگرداني و گمراهي خلاص بشوند».  
ايشان در اين بخش، از فداكاري امام حسين(ع) در نجات امت چنين ياد مي‌كند:  
«چه كسي مي‌تواند اين دست نجات را به سوي بشريت دراز كند؟ آن كساني كه چسبيده به مطامع و هوس‌ها و شهوات باشند، نمي‌توانند؛ چون خودشان گمراهند. آن كساني كه اسير خودخواهي‌ها و منيت‌ها باشند، نمي‌توانند بشر را نجات بدهند. بايد كسي پيدا بشود و خودشان را نجات بدهد، يا لطف خدا به سراغ آن‌ها بيايد تا اراده آن‌ها قوي بشود و بتوانند خودشان را‌‌ رها كنند. آن كسي مي‌تواند بشر را نجات بدهد، كه داراي گذشت باشد؛ بتواند ايثار كند و از شهوات بگذرد؛ از منيت و خودپرستي و خودخواهي و حرص و هوا و حسد و بخل و بقيه گرفتاريهايي كه معمولاً انسان دارد، بيرون بيايد، تا بتواند شمعي فرا راه بشر روشن كند». ۱۴

----------------------------------------------------------------------------------------------  
پي نوشت‌  
۱. ۱ آبان ۱۳۸۵.  
۲. ۲۴ مهر ۱۳۶۶.  
۳. ۲۲ آبان ۱۳۶۳.  
۴. ۲۲ آبان ۱۳۶۳.  
۵. ۲۹ شهريور ۱۳۶۸.  
۶. ۲۲ آبان ۱۳۶۳  
۷. ۲۹ شهريور ۱۳۶۸.  
۸. ۲۸ بهمن ۱۳۸۷.  
۹. ۱ فروردين ۱۳۸۵.  
۱۰. ۱ فروردين ۱۳۸۵.  
۱۱. ۱۴ خرداد ۱۳۸۵.  
۱۲. ۱۴ خرداد ۱۳۸۵.  
۱۳. ۱۴ خرداد ۱۳۸۵.  
۱۴. ۲۱ شهريور ۱۳۶۹.